

معیارهای گزینش مشاور در اسلام

احمد امامی‌راد*

چکیده

نبشتار حاضر درصدد بررسی شروطی است که در گزینش و اعطای مجوز مشاور در اسلام لازم است. این پژوهش، که به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته، از آیات و روایات نکات ذیل را در این باره استخراج کرده است: مهم‌ترین شرط مشاور در اسلام، «تقوا» است. میزان تقوای شخص در رعایت مسائل اخلاقی نیز نقش بسزایی ایفا نموده، نوعی تضمین درونی به شمار می‌آید. داشتن صلاحیت حرفه‌ای، که از دو مؤلفه «علم» و «تجربه» تشکیل شده، دومین شرط گزینش مشاور در اسلام است. عقل محوری، احترام به کرامت انسانی، توجه عاطفی مثبت به همه مراجعان، حریم و بخیل نبودن، صبر، آراستگی ظاهری، عمل به دانسته‌ها، علم‌افزایی مداوم، صداقت و راستی قلبی و زبانی از دیگر صفات لازم برای مشاور در اسلام است. توجه به این نکات در گزینش مشاور و اعطای مجوز فعالیت مشاوره‌ای موجب کاهش بسیاری از ضررهای حاصل از مشاوره توسط افراد غیر صالح می‌شود و از آسیب‌رسانی به مراجع و این حرفه مقدس یاری‌رسان جلوگیری خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: مشاور، اسلام، تقوا، اخلاق اسلامی، مراجع، عقل محوری.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و کارشناس ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

مقدمه

الهی و خیانت به مراجع اقدام نماید، مستحق ثواب اخروی نبوده و از جایگاه ذکر شده برخوردار نیست. مشاوره با چنین کسی نه تنها مورد ترغیب دین نیست، بلکه امام صادق علیه السلام مشاوره نکردن با چنین افرادی را از مشاوره با آنها بهتر می‌دانند و می‌فرمایند: «مشورت شایسته نیست، مگر با شرایط آن، و هر که آنها را بداند خوب است، و گرنه زیانش بر مشورت خواه بیش از سودش خواهد بود.»^(۱۲) همان‌گونه که مشاهده می‌شود، با وجود تأکید فراوان بر مشاوره و اهمیت آن در متون اسلامی، امام صادق علیه السلام در صورت عدم رعایت حدود مشاوره، نبود مشاوره را بهتر از بودنش برمی‌شمارند و زیان آن مشاوره را بر مراجع بیشتر از خیرش می‌دانند. از این روست که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «با وجود غفلت راهنما، چگونه گمراه هدایت می‌شود؟!»^(۱۳) همچنین در جای دیگری می‌فرمایند: «هر که راهنمایی را از غیر اهل آن طلب کند، گمراه می‌شود.»^(۱۴) نیز فرمودند: «هر که از گمراه راهنمایی جوید از راه واضح کور گردد.»^(۱۵)

از این رو، باید توجه داشت که ویژگی‌های مشاور و رعایت مسائل اخلاقی از سوی وی، از مهم‌ترین اموری است که باید در مشاوره مورد توجه باشد. از نظر اسلام، هر مشاوره لیاقت حضور در این عرصه مهم یاری‌رسانی را ندارد و مشاورانی می‌توانند به این امر اشتغال ورزند که دارای حداقل خصوصیات دینی مخصوص مشاور باشند. در زمینه مسائل اخلاقی در مشاوره و معیارهای گزینش مشاور، کتاب‌ها و مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده که از آن جمله است:

با توجه به پشت‌گرمی قوی که از مشاوره حاصل می‌گردد،^(۱) خداوند آن را از اوصاف مؤمنان دانسته^(۲) و خطاب به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در خصوص مشاوره با مسلمانان می‌فرماید: «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ در کارها، با ایشان مشورت کن. مشاوره آن قدر مورد اهتمام اسلام است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَنْ يَهْلِكَ امْرُؤٌ عَنْ مَشُورَةٍ»؛^(۳) هیچ‌کس از مشورت به هلاکت نمی‌افتد. همچنین حضرت علی علیه السلام مشاوره را عین هدایت دانسته،^(۴) مشورت‌کننده را در راه رستگاری^(۵) و مصون از اشتباه و لغزش می‌داند.^(۶) از این روست که از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» (آل عمران: ۱۵۹) می‌فرمایند: «هیچ‌کس با دیگری به مشورت نمی‌پردازد، مگر آنکه به رشد هدایت می‌شود.»^(۷)

از سوی دیگر، کسانی که مشاوره را ترک می‌کنند به شدت ملامت شده‌اند. امام باقر علیه السلام با اشاره‌ای عام به لزوم مشورت در همه کارها، مشورت نکردن را موجب پشیمانی دانسته، می‌فرماید: «هر کس مشورت نکند، پشیمان می‌شود.»^(۸) نیز امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «هر کس خودرأی باشد هلاک می‌شود، و کسی که با افراد بزرگ و صاحب اندیشه مشورت کند، در عقلشان شریک می‌گردد.»^(۹)

با توجه به نکات ذکر شده، مشاور در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است^(۱۰) و اجر اخروی والایی برایش در نظر گرفته شده است.^(۱۱)

اما با مراجعه به عقل و متون اسلامی، معلوم می‌شود که چنین جایگاه والایی را نمی‌توان برای هر مشاوره و مشاوره در نظر گرفت. مشاوره که به مسائل اخلاق اسلامی پایبند نیست و به محرّمات

معیارهای گزینش مشاور در اسلام

مشاور پیش از ورود به حرفه یاری رسان مشاوره و نیز در طول خدمت‌رسانی در این عرصه، باید سعی در کسب برخی مسائل اخلاقی و باور نسبت به آنها داشته باشد. در واقع، مسائل اخلاقی در ارتباط با خود مشاور به آن دسته از مسائل اخلاقی اشاره دارد که به نوعی زیربنای ورود به این عرصه و رعایت دیگر مسائل اخلاقی را تشکیل می‌دهد و باید در گزینش مشاوران و اعطای مجوز برای فعالیت مشاوره و روان‌درمانی افراد مورد نظر قرار گیرد. این مسائل اخلاقی عبارت است از:

۱. تقوا

با توجه به دلایلی که در پی می‌آید، «تقوا» مهم‌ترین شرط مشاور به شمار می‌آید. در روایتی از امام صادق علیه السلام وارد شده است: «اَسْتَشِرُّ فِيْ اُمُوْرِكَ الَّذِيْنَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ»؛^(۱۶) در امورت، با کسانی مشورت کن که از پروردگار خود می‌ترسند.

در این حدیث، بر خداترسی مشاور تأکید شده است. آن قدر وجود تقوا در مشاور مهم است که امام صادق علیه السلام لزوم این شرط را در تمام امور جاری دانسته و به صورت مطلق می‌فرمایند: «در تمام امورت، با شخص متقی مشورت کن.» این حدیث شرط «پرهیزگاری» را در همه مشورت‌ها و در هر امری که مراجع خواهان مشاوره در آن است، لازم می‌داند.

در روایت دیگری از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است: «در گفتار خود، با کسانی که از خداوند ترس دارند، مشورت کن.»^(۱۷)

«تقوا» به معنای حفظ نفس از گناهان و ترک معاصی است.^(۱۸) این امر در فرهنگ دینی، از

کتاب مشاوره در آینه علم و دین، اثر علی نقی فقیهی که در آن مباحثی همچون صفات و ویژگی‌های مشاور در اسلام ذکر شده است.

کتاب اخلاق در مشاوره و روان‌شناسی، نگاشته سیمین حسینیان که تدوین شده است.

این کتاب دربردارنده موضوعات اخلاقی مهمی همچون رازداری، پرهیز از رابطه دوگانه، حقوق مراجعان، صلاحیت مشاور، آموزش مشاور و مانند آن است و بیشتر مسائل اخلاقی در رابطه با مشاور را بررسی کرده است.

مقاله «نگاهی به ویژگی‌های مشاور در آموزه‌های دینی»، نگارش علی‌احمد پناهی که در فصل‌نامه تخصصی مشاوره به چاپ رسیده و درباره ویژگی‌های خردمندی، تخصص، رازدار بودن، پرهیزگاری، محبت و خیرخواهی توضیح مختصری ارائه نموده است.

آثار دیگری نیز به اخلاق حرفه‌ای در مشاوره و روان‌شناسی پرداخته و به اصول اخلاقی مفیدی اشاره دارند که بنا به رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود. اما تاکنون مقاله مستقلی درباره معیارهای گزینش مشاور تدوین نشده است؛ مسائلی که بنا به ماهیت الهی و محدودیت‌های لازم برای رسیدن به سعادت ابدی، علاوه بر مشترکاتی با مسائل اخلاقی ذکر شده، تفاوت‌هایی نیز با اصول اخلاقی دارد. همچنین استناد و حیانی پشتوانه‌ای عمیق و به دور از تزلزل و نسبیّت در مسائل اخلاقی می‌گردد. بدین‌روی، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این سؤال است که از نظر اسلام، مشاور باید چه معیارهایی داشته باشد و به عبارت دیگر، شرایط گزینش و اعطای مجوز به کسانی که خواهان مشاوره هستند، چیست؟

۲. هدایت مراجع به سوی خیر: در روایت ذکر شده از امام صادق علیه السلام، با اشاره به علت وجود شرط «ورع» در مشاور، چنین می فرماید: «با مردان خردمند پارسا مشورت کن که او جز به خیر نظر نمی دهد.»^(۲۲) این حدیث شریف به شرط «ورع»، که مرتبه بالای تقواست، اشاره دارد. در تعلیل این امر، «خیرخواهی» مشاور در صورت داشتن تقوای الهی آمده است. در واقع، کسی که از مرتبه بالای ترس از خداوند برخوردار است، برای ارائه راهکار درمانی و مشورتی، به جای ارائه مشورتی که با هواهای نفسانی او یا مراجع منطبق باشد، به ارائه راهکاری خواهد پرداخت که مصلحت واقعی مراجع است. همچنین با توجه به ملزومات ورع، در صورت ندانستن راه حل، به منظور عدم خروج از خیر و صلاح مراجع، که در این حدیث شریف بدان اشاره شده است، دست کم راهکاری ارائه خواهد کرد که به نامشروع و شر منجر نشود.

۳. امانت‌داری: در صورت ترس از خداوند و قیامت است که مشاور فکر خیانت به مراجع را در دل خود جای نمی دهد و در نتیجه، مشورت با او اطمینان بخش است و برای مشورت کننده امنیت خاطر ایجاد می کند و او امین واقعی او به حساب می آید. در حدیثی از امام صادق علیه السلام که از امام کاظم علیه السلام روایت می کنند، چنین آمده است: «امین کسی است که از خداوند ترس داشته باشد.»^(۲۳)

۴. عنایت الهی و حل مشکلات: خداوند در اشاره به یکی از آثار تقوای الهی می فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ» (طلاق: ۳ و ۲)؛ هر که تقوای الهی داشته باشد خداوند برایش گشایش گاهی قرار می دهد و او را از جایی که حساب

جایگاه والایی برخوردار است و مبنا و رکن اساسی اخلاق اسلامی محسوب می شود و بدون آن، اخلاق و ایمان مفهومی ندارند؛ همان گونه که امیرمؤمنان علیه السلام می فرمایند: «ترس از خدای عزوجل سرکرده خصلت های نیکوست.»^(۱۹) همچنین می فرمایند: «ایمان بدون تقوا نفعی ندارد.»^(۲۰)

این امر مهم یکی از شروطی است که در آیات و روایات فراوانی به طور عام و در روایات خاصی برای مشاور ضروری شمرده شده است. پیامدهای رعایت تقوا در مشاوره: رعایت تقوا در مشاوره، آثار و برکات فراوانی دارد. از جمله این آثار، می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. زمینه و پشتوانه رعایت تمام مسائل اخلاق اسلامی: با توجه به آثار «تقوا» و توصیه و تأکید ائمه اطهار علیهم السلام به این شرط در مشاور، به نظر می رسد که تقوا به مثابه نگهبان قوی و ناظری مطمئن، جلوی سرکشی نفس امّاره را بگیرد و از خیانت به دیگران برحذر بدارد. چنین اشخاصی بر اساس مصالح واقعی و جاودان مراجع، راهکار ارائه می دهند و به خاطر معیار قرار دادن خداوند، سعی در رعایت سایر مسائل اخلاق اسلامی مشاوره، اعم از صداقت، اخلاص، رازداری، مسئولیت، صبر و مانند آن می کنند. از این روست که در حدیث امام صادق علیه السلام در توصیه به مشاوره با شخص باتقوا چنین آمده است: «با افراد عاقل باورع (مرتبه بالای تقوا) مشورت کن که او تو را جز به نیکی دعوت نمی کند.»^(۲۱) علاوه بر آن، تقوای الهی موجب پای بندی مشاور به بسیاری از واجبات و محرمات الهی می گردد؛ از جمله: عدم تماس بدنی با مراجع نامحرم، خیانت نکردن به مراجع نامحرم با نگاه ناپاک، اجتناب از خلف وعده و مانند آن.

سَبَبٌ»؛^(۲۶) هرچه به وسیله آن به چیزی رسیده می‌شود، سبب است. طبق این معنا، امام رضا علیه السلام به مشاوره با کسانی توصیه می‌کنند که به وسیله آنها به هدف مشاوره نایل می‌گردد. چنین کسانی بدون تخصص در آنچه مورد مشاوره قرار می‌گیرند، نمی‌توانند به هدف برسانند.

همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «هرگز در کارت با کسی که جهل دارد مشورت نکن.»^(۲۷) «جهل» از مفهوم نسبی برخوردار است؛ بدین معنا که ممکن است کسی نسبت به امر یا اموری علم داشته باشد، ولی نسبت به امور دیگر جهل داشته و یا از علم اندکی برخوردار باشد. برای مثال، ممکن است مشاور در زمینه مشاوره خانوادگی از علم زیادی برخوردار بوده، به فنون تشخیص و درمان مسائل آن مسلط باشد، اما همو در زمینه مشاوره تحصیلی آگاهی کمی داشته باشد. با توجه به این نکته، در حدیث ذکرشده مقصود از جهل مشاور، ناآگاهی در امری است که مراجع خواهان مشاوره در آن است.

آموزه‌های دینی و سیره عقلا برای تخصص در حرفه مربوط به مشاوره و لزوم مراجعه به افراد صاحب نظر، جایگاه ویژه‌ای قایل است و آن را یکی از اصول مسلم عقلائی تلقی می‌نماید و اگر کسانی برای رفع مشکل و سؤال خود به افراد غیرمتخصص مراجعه نمایند، سرزنش و مذمت می‌شوند. این سرزنش بدان دلیل است که جاهل (کسی که در رشته خود تخصصی ندارد) نه تنها توانایی حل مشکل را ندارد، بلکه به دلیل نادانی و بی‌تجربگی، بر مشکلات خواهد افزود. خداوند در قرآن کریم به یهودیانی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را قبول نمی‌کردند، با توصیه به رجوع به افراد خبره و کاردان خودشان،

نمی‌کند، روزی می‌رساند. در آیه دیگری می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا» (طلاق: ۴)؛ هر کس از خداوند پروا داشته باشد، خداوند در امرش گشایش قرار می‌دهد. همچنین این تقوای را، که موجب دوری از گناهان - از جمله خیانت به مردم - می‌شود، بی‌پاسخ نگذاشته، برایش پاداش بزرگی قرار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ» (ملک: ۱۲)؛ کسانی که از پروردگارشان در پنهان می‌ترسند برایشان آمرزش و پاداش بزرگی است.

۲. داشتن صلاحیت حرفه‌ای

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤال از «دوراندیشی»، چنین آمده است: «مَا الْحَزْمُ؟ قَالَ: «مُشَاوَرَةُ ذَوِي الرَّأْيِ وَاتِّبَاعُهُمْ»؛^(۲۴) به رسول خدا گفته شد: دوراندیشی چیست؟ فرمودند: «مشورت با صاحب نظران و پیروی آنان.» هرچند این حدیث شریف در پاسخ به سؤال از دوراندیشی وارد شده است و به اهمیت مشاوره اشاره دارد، اما با توجه به اینکه «ذوی‌الرأی» مضاف‌الیه «مُشَاوَرَةُ» بوده و یکی از قیود جواب به شمار می‌آید، هر مشورتی دوراندیشی نیست و مشورتی متناسب با دوراندیشی به حساب می‌آید که با «صاحب نظران» باشد. در این صورت، تبعیت از مشاور مورد توجه قرار می‌گیرد. معلوم است که منظور از «ذوی‌الرأی» (صاحب نظر) بودن مشاور در حیطه‌ای است که مراجع خواهان مشاوره در آن زمینه باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «هر که با صاحبان سبب مشورت کند، به سوی رشد رهنمون می‌گردد.»^(۲۵) ابن‌منظور در معنای «سبب» چنین آورده است: «كُلُّ شَيْءٍ يَتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى الشَّيْءِ، فَهُوَ

می فرماید: ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل: ۴۳)؛ اگر نمی دانید از اهل اطلاع و خبره سؤال کنید. مشاور نیز به لحاظ اینکه محلّ مراجعه مردم است و باید آنها را راهنمایی کند، لازم است از علم و تخصص مربوط به آن موضوع برخوردار باشد. در غیر این صورت، ضرر مشاوره او بیش از نفع آن خواهد بود. امام کاظم علیه السلام با غلام سیاه خود، که در زمینه کشاورزی متخصص تر بود، مشورت می نمودند و برخی از صحابه از این کار امام تعجب می کردند. در حدیثی از امام رضا علیه السلام، که به این سیره پدرشان اشاره دارند، چنین آمده است: «چه بسا به آن حضرت نظری می دادند و آن را درباره مزرعه و بستان به کار می بستند.»^(۲۸) این حدیث بدین معناست که امام کاظم علیه السلام در زمینه ای که تخصص برده شان بود، مشورت می کردند.

شاید به علت لزوم تخصص مشاور است که امام صادق علیه السلام در توصیه های خود به مشاوران، چنین می فرماید: «از رأی نسنجیده دوری کن.»^(۲۹)

خلاصه آنکه داشتن تخصص حرفه ای در زمینه مورد مشاوره از ضروریات اخلاقی است که در مشاوره اسلامی لازم است رعایت شود و از معیارهای گزینش افراد برای ورود به این عرصه، محسوب می شود.

مؤلفه های اساسی لازم برای صلاحیت حرفه ای مشاور: با توجه به احادیثی که در لزوم داشتن این شرط برای مشاور گذشت و نوع استناد به سیره ائمه اطهار علیهم السلام، معلوم می شود که دو ملاک برای این صلاحیت مدنظر است:

۱. علم: با مراجعه به حدیث ذکر شده که امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله در شرط اخلاقی مشاور نقل

می کنند، مشاهده می کنیم که رسول خدا صلی الله علیه و آله هر مشاوره ای را مطلوب نمی داند، بلکه مشاوره با «ذوی الرأی» (صاحب نظر) را مجاز می شمارند. معلوم است که منظور از صاحب نظر بودن نه تنها علم است، بلکه هر عالمی را هم شامل نمی شود، بلکه عالمی را شامل می شود که در زمینه مورد مشاوره علم داشته باشد.

از همین روست که امام هادی علیه السلام با کسی که در زمینه خاصی عالم تر بود، مشاوره کردند: «علی بن مهزیار می گوید که امام هادی علیه السلام به من نوشتند: "از فلانی بخواه که نظری به من بدهد و پیش خود خیرخواهی کند؛ چون می داند که در شهر او چه می توان کرد و با سلاطین چه معامله ای می توان داشت؛ زیرا مشورت مبارک است و خدا به پیغمبرش در قرآن مجید فرموده: در کار با آنها مشورت کن و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن."^(۳۰)

همچنین حدیث ذکر شده از قول امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارشان امام کاظم علیه السلام درباره مشورت با غلامانی که در کار مزرعه و بستان آگاه تر بودند، می تواند به عنوان مؤیدی برای شرط علم مشاور در زمینه مورد مشاوره باشد.

۲. تجربه: مشاور علاوه بر داشتن علم کافی در زمینه مورد مشاوره، نیازمند تجربه کافی نیز هست؛ یعنی مشاور علاوه بر مطالعه و کسب علم کافی در زمینه های مورد مشاوره، باید به کارورزی و تمرین عملی نیز اهتمام ورزد. این کارورزی و کسب تجربه عملی آن قدر مهم است که در روایت، از برترین معیارهای مشاور شمرده شده است؛ می فرماید: «برترین کسی که با او مشاوره می کنی، صاحب تجربه است.»^(۳۱)

نیز امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «بهترین نوع مشورت، مشورت با صاحبان عقل و علم و تجربه و

می آورد؛ «خداوند متعال برای هر شرّی قفلی گذاشته و کلید همه آنها شراب است، ولی دروغ بدتر از آن شراب است.»^(۳۴)

در مقابل، امیرالمؤمنین علیه السلام صدق را موجب نجات دنیوی و اخروی می دانند؛ «بدان که سرانجام دروغ‌گویی سرزنش، و سرانجام راست‌گویی نجات است.»^(۳۵) حتی در صورتی که به ظاهر، دروغ‌گویی منجر به نجات شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را موجب نجات ندانسته، با منحصر دانستن راه نجات در راستی، چنین می فرمایند: «راستی را بجوید، اگرچه در ظاهر ببینید که هلاکت در آن است؛ چراکه راستی جز نجات در خود ندارد.»

احادیث در باب راست‌گویی و مذمت دروغ‌گویی و ذکر آثار این دو زیاد است؛ اما آنچه از سخنان گهربار ائمه اطهار علیهم السلام برمی آید، این است که برای رستگاری و به نتیجه رسیدن امور، از مهم‌ترین اموری که باید رعایت شود، «صداقت» و راستی است. در غیر این صورت، نتیجه کارها «نجات» نخواهد بود، و چون هدف اصلی در مشاوره، راهنمایی مراجع برای موفقیت در حل مشکلات و رهنمون ساختن وی به سوی نجات است، رعایت صداقت از سوی مشاور تأمین‌کننده این هدف، و رعایت نکردن آن به منزله شکست مشاوره است.

این امر باید در گزینش مشاور و اعطای مجوز فعالیت، با توجه به سوابق وی احراز گردد و از شرایط اصلی محسوب می شود. احراز درونی بودن این صداقت و ملکه شدن آن برای مشاور نیز لازم است.

ب. اخلاص و پرهیز از دورویی: پرهیز از «دورویی»، که با صداقت قلبی در ارتباط است، از مسائلی است که در رابطه‌ها ضروری بوده و عدم رعایت آن به روند

دارای حزم و احتیاط است.»^(۳۲)

چنانچه ذکر شد، سیره ائمه اطهار علیهم السلام نیز مشاوره با صاحبان علم و تجربه در زمینه مورد مشاوره - مثل کشاورزی - بوده است. حدیث امام رضا علیه السلام مبنی بر استناد به سیره امام کاظم علیه السلام در مشورت با غلامانش در مسائلی همچون مزرعه و بستان، بر شرط «تجربه در مشاور» دلالت می‌کند. همچنین حدیث شریف امام صادق علیه السلام، که به صاحب نظر بودن در زمینه مورد مشاوره اشاره دارد، به علم تنها اشاره ندارد و داشتن علم و تجربه در صدق لفظ «ذوی‌الرأی» لازم است.

۳. صداقت و راستی

یکی از شروطی که در گزینش مشاور لحاظ می‌گردد و همچنین لازم است در تمامی مراحل مشاوره از سوی وی رعایت گردد، «صداقت» و راستی اوست. این راست‌گویی می‌تواند به دو صورت مورد اهتمام باشد: راست‌گویی زبانی، پرهیز از دورویی.

الف. راست‌گویی زبانی: آشکارترین مصداق راستی و صداقت، «راست‌گویی زبانی» است. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره راز اجتناب از مشاوره با دروغگو چنین می فرمایند: «با دروغگو مشورت نکن؛ دروغگو مثل سراب است که وقتی از دوردست به آن نگاه شود، آب به نظر می‌رسد، اما وقتی به آن نزدیک می‌شوی، هیچ نمی‌یابی.»^(۳۳) شاید معنای این حدیث چنین باشد: دروغگو مسائل دور از دسترس را واقعی جلوه می‌دهد و ایشان را تشجیع و تحریک خیالی می‌کند.

پرهیز از دروغ‌گویی آن‌قدر مورد اهتمام دین است که امام صادق علیه السلام دروغ‌گویی را بدتر از شراب خوردن نیز برشمرد، آن را کلید هر بدی به حساب

دوستی آسیب می‌رساند.

در زمینه لزوم اخلاص و پرهیز از دورویی در مشاوره، از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «به دنبال کسی باش که تو را بگیراند و خیرخواهت باشد؛ نه کسی که تو را بخنداند و با تو دغلی کند و همگی به سوی خدا بازگردانده می‌شوید و خواهید دانست.»^(۳۶) این حدیث شریف گریاندن توسط مشاور را مدح نمی‌کند، بلکه در صدد ذکر این امر مهم است که کسی در ظاهر، تو را بخنداند ولی در واقع دغلی کند، صلاحیت تبعیت ندارد. چنین شخصی در ظاهر، با مراجع روابط خوبی دارد و موجب سرور و شادمانی او می‌گردد، ولی در باطن در پی خیانت به اوست؛ ولی کسی که در ظاهر، مراجع را می‌گریاند (با اشاره به عاقبت کارهایی که انجام می‌دهد و یا می‌خواهد انجام دهد، اسباب ناراحتی او را فراهم می‌سازد) اما در عین حال، این کار او از صداقت و خیرخواهی اوست چنین کسی صلاحیت پیروی دارد.

۴. عقل محوری و ارزیابی عاقلانه مسائل

امام صادق علیه السلام در اشاره به لزوم مشاوره با افراد عاقل می‌فرماید: «با مردان خردمند پارسا مشورت کن که جز به خیر نظر ندهند.»^(۳۷)

«عقل» یکی از اصلی‌ترین تکیه‌گاه‌های اسلام در امور دنیوی و اخروی انسان‌هاست. از منظر اسلام، انسان حق ندارد آنچه را که عقل سالم نادرست می‌داند، باور کند و بدان عمل نماید. عقل از نگاه دینی، حجت باطنی انسان‌هاست^(۳۸) که در سایه آن، راه صحیح و درست مشخص می‌گردد. اگرچه عقل به تنهایی این توانایی را ندارد تا انسان‌ها را به سرمنزل

کمال و سعادت برساند، ولی این مهم در پرتو شرع و دستورهای دینی امکان حصول دارد. در منطق قرآن کریم، عقل به عنوان یکی از اسباب نجات و هدایت انسان معرفی شده و خردمندان مدح و ستایش شده‌اند: «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ» (زمر: ۱۸)؛ کسانی که به سخن گوش می‌دهند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. ایشانند کسانی که خدا هدایتشان کرده و اینان خردمندانند. این آیه شریفه افراد هدایت‌یافته را کسانی می‌داند که صاحب خرد و اندیشه باشند. در سایه همین خرد و تعقل است که می‌توانند گزینه‌های درست را انتخاب کرده و جزو هدایت‌یافتگان گردند.

از این رو، با توجه به اینکه خرد و عقل جایگاه ویژه‌ای در ترقی و پیشرفت معنوی و مادی انسان‌ها دارد، در مشاوره هم به افراد توصیه شده است تا با عاقل مشورت کنند و از فکر و نظر او بهره‌گیرند تا به آثار و برکات فراوان نایل آیند.

آثار عقل‌محوری در مشاوره: عقل‌محوری در مشاوره و انتخاب افراد عاقل برای این امر، آثار و برکات فراوانی دارد. از جمله این آثار، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. رسیدن به خیر: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «با مردان خردمند پارسا مشورت کن که جز به خیر نظر نمی‌دهند.»^(۳۹)

امام صادق علیه السلام یکی از معیارهای مشاور را عاقل بودن او برمی‌شمارند؛ یعنی مشاور باید عقل را محور و ملاک ارائه مشاوره خود قرار دهد و از معیارهای نفسانی نامشروع دوری جوید. در این حدیث، نتیجه عقل‌محوری همراه با ورع در مشاوره

میمنت و توفیق از خدا را به دنبال دارد.»^(۴۲)

در این حدیث شریف، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به سه فایده مهم مشاوره با انسان‌های عاقل اشاره می‌کنند:

- موجب رشد همه جانبه مشورت‌کننده می‌گردد.
- برکت در انجام کار را به دنبال دارد.
- سبب پیدایش توفیقات الهی می‌شود.

به نظر می‌رسد در زمینه ضرورت عقل محوری و عاقل بودن مشاور است که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «از خداوند بترس از اینکه هماهنگ با هوای نفس مشورت‌کننده عمل نمایی.»^(۴۳)

البته این بدان معنا نیست که عاقل بودن و عقل محوری تنها شرط مشاور و تنها شرط رسیدن به برکات و آثار ذکر شده است، بلکه یکی از شروط مهم آن به شمار آمده، اگرچه شروط دیگری هم لازم است؛ همچنانکه در روایتی از امام صادق علیه السلام به اجتماع چند ویژگی در مشاور چنین اشاره می‌کند: «در امور خود، که لازمه دین‌داری است، با کسی مشورت کن که پنج خصلت دارد: عقل و بردباری و تجربه و خیرخواهی و تقوا...»^(۴۴)

با توجه به شرط «عقل محوری»، مشاور نباید با معیار قرار دادن معیارهای غیرعقلانه همچون تمتعات نفسانی، احساسات غیرمعقول، مسائل جانبی غیرصحیح و مانند آن به مراجع آسیب برساند. عاقل بودن مشاور از جمله شروطی است که باید پیش از اعطای مجوز مشاوره و درمان، مدنظر باشد و به افرادی که از میزان عقل محوری کمی برخوردارند و توانایی ارزیابی عاقلانه مسائل را ندارند و یا به جای عقل محوری، هوای نفس را معیار قرار می‌دهند، اجتناب گردد.

«خیر» معرفی شده است. این بدان معناست که در صورت نبود این دو قید مشاوره (تقوا و عقل محوری) نتیجه‌ای جز شر به دنبال نخواهد داشت.

از این رو، بر مشاور مسلمان لازم است در طول مشاوره، به این نکته عنایت داشته باشد که باید با توجه به اطمینان مراجع به وی، او را به سوی خیر رهنمون سازد و این امر بدون عقل محوری و ورع میسر نمی‌گردد.

ب. نفع بردن از مشورت و دوری از زیان: در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام با برشمردن چهار شرط برای مشاوره، اولین آنها را «عاقل بودن» می‌داند^(۴۵) و در راز این شرط، چنین می‌فرماید: «اگر مشاور عاقل باشد از مشورت با او منفعت می‌بری.»^(۴۶) این تعلیل بدان معناست که عاقل بودن مشاور و مشاوره معقولانه سودمند است و نفع مراجع را به دنبال خواهد داشت. مؤید این برداشت بخش اول این روایت است که رعایت نکردن شرایط ذکر شده برای مشاور را - که عاقل بودن اولین آن است - زیان‌بخش می‌داند و می‌فرماید: «(در صورت نبود شروط چهارگانه مشاور) ضرر مشاوره با او بیش از سودمندی آن خواهد بود.»

ج. رشد همه‌جانبه؛

د. برکت در کارها؛

ه. سبب توفیق الهی.

روشن است که ارجاع به صاحبان خرد در مشاوره، به دلیل منفعت‌ها و فوایدی است که در چنین مشاوره‌ای وجود دارد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله به سه اثر مشاوره با عاقل اشاره شده است: «مشورت با خردمند خیرخواه رشد و

۵. احترام به کرامت انسانی

یکی از مهم‌ترین مبانی اخلاقی در حیطة مشاوره، «ارزش قایل شدن برای کرامت انسانی» به منظور احترام گذاشتن به مراجع و رعایت حقوق و تکریم جایگاه او به عنوان یک شخصیت انسانی است. اصل «کرامت» از مسائلی است که اسلام به آن توجه خاصی داشته است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰)؛ ما به فرزندان آدم کرامت و ارزش بخشیدیم.

این مبنا و رعایت آن در ارتباط با افراد باایمان مورد توجه اسلام بوده است. پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «هر که برادر مسلمانش را با یک کلمه مهرآمیز گرامی بدارد و گره از گرفتاری او بگشاید، تا زمانی که در آن کار است، پیوسته در سایه مستمر رحمت خداست.» (۴۵)

در حدیث دیگری، اکرام مؤمن مثل اکرام خداوند شمرده شده است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «هر کس برادر (دینی) اش را گرامی بدارد خداوند را اکرام کرده است. شما گمان می‌کنید خداوند چنین شخصی را چگونه اکرام می‌کند؟» (۴۶)

پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث دیگری می‌فرمایند: «خداوند - تبارک و تعالی - فرموده است: کسی که بنده مؤمنم را گرامی بدارد، باید از خشم من آسوده باشد.» (۴۷)

مشاور اسلامی با توجه به این کرامت است که مراجع را گرامی می‌دارد. این امر زمینه‌ای برای ایجاد نگاه مثبت نسبت به مراجع خواهد گردید.

۶. توجه عاطفی مثبت به همه مراجعان

مشاور باید پیش از ورود به عرصه یاری‌رسان مشاوره و پیش از ورود به جلسه مشاوره، با نگاه

مثبت به مراجع بنگرد و با توجه مثبت به انسانیت و کرامت او، علاوه بر پذیرش قلبی، به عنوان پناهمگاهی عاطفی، پذیرای او باشد. این نکته اخلاقی، که رابطه تنگاتنگی با «توجه به کرامت انسانی» دارد، آثار سودمند فراوانی دارد که در ذیل بدان اشاره می‌گردد:

همان‌گونه که بیان گردید، یکی از معیارهای اخلاقی ذکر شده در زمینه مشاوره از منظر احادیث، عاقل بودن مشاور است. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مدارا با مردم را معیار عاقل بودن و از اصول عقلی دانسته، می‌فرمایند: «اوج خردمندی پس از دین‌داری، اظهار دوستی با مردم و خوبی کردن به هر کس است، خوش‌کردار باشد یا بدکردار.» (۴۸)

حضرت علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام هنگام فرستادن مالک اشتر به فرمانداری کوفه، در توصیه‌های خود به او، چنین فرمودند: «مهربانی برای مردم و دوستی و نیکی به آنان را به دلت بیاموز و بر آنان درنده زیان رساننده نباش که خوردن آنان را غنیمت شماری؛ زیرا مردم دو صفتند: یا برادر دینی تو هستند یا در آفرینش مانند تو.» (۴۹)

امیرالمؤمنین عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام مالک اشتر را به محبت و نیکی نسبت به همه مردم (اعم از مسلمان و غیرمسلمان) توصیه نموده، خشونت بر آنان را جایز نمی‌دانند. ایشان در علت اینکه نسبت به همه مردم باید با محبت بود و دید مثبت به آنها داشت، به این نکته اشاره دارند که مردم یا برادر دینی تو هستند. پس از این‌رو، باید حق برادر دینی بودن را رعایت کرده، بدان‌ها مهر بورزی و یا در خلقت شبیه تو باشد که در این صورت، انسانند و با آنان باید مانند انسان برخورد کنی.

خداوند در باب محبت و نیکی به مردم و آثار آن

هم نوا شدن با کارها و روحیات مراجعان نیست، بلکه مقصود نگاه مثبت به آنان از یک سو، و مدارا با آنان از سوی دیگر است.

۷. حریص نبودن

در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام در زمینه لزوم اجتناب از مشورت با افراد حریص چنین آمده است: «با حریص مشورت نکن (که در صورت مشورت با او) راه شر را علیه تو هموار می‌کند و حرص را برایت خوب جلوه می‌دهد.»^(۵۱)

«حِرص» در لغت، به معنای «میل شدید» و «وَلَع به چیزی» آمده است.^(۵۲) این کلمه در صورتی که به صورت صفت مشبّه استعمال شود (حریص) شدت بیشتر این میل را می‌رساند؛ اما «حِرص» به صورت مطلق امری ناپسند نیست و در برخی روایات، از حِرص نسبت به برخی امور، از جمله طاعت الهی به نیکی یاد شده است،^(۵۳) اما حِرصی که از سوی دین مذمّت شده علاقه افراطی به دنیا است.^(۵۴)

اگر مشاور حریص باشد برای رسیدن به دنیا، به هرگونه فریب‌کاری متوسل می‌شود و برای کسب منافع بیشتر، مراجع را به کارهای خلاف نیز می‌کشاند؛ چراکه هدف افراطی او دنیاست و برای رسیدن به آن، از بسیاری کارها دوری نخواهد کرد و در این صورت است که بنا به مفاد حدیث شریف ذکر شده، این صفت را به مراجع نیز انتقال خواهد داد و حرص را در نظر او خوب جلوه می‌دهد و به جای درمان واقعی و رهنمون ساختن او به سعادت واقعی، دنیا را هدف نهایی جلوه داده، در حق او ظلم خواهد نمود. این در حالی است که حرص او در رسیدن مراجع به دنیایش نیز اثر نخواهد داشت و

و در توصیف پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «فِيمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَيْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ به سبب رحمت خدا، تو با آنها اینچنین خوش خوی و مهربان هستی، و اگر تندخو و سخت‌دل بودی از اطرافت پراکنده می‌شدند.

این خوش‌رویی پیامبر صلی الله علیه و آله در صدر اسلام و در آن محیط کفرآمیز بود که مردم را به سوی اسلام و دین‌داری سوق می‌داد؛ همچنان‌که در همین آیه به این نکته اشاره دارد که «اگر تندخو و سخت‌دل بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند.»

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمودند: «پدرم علی بن الحسین علیه السلام دستم را گرفت و گفت: کار نیک انجام بده درباره هر کس که از تو درخواست آن را دارد. اگر شایسته نیکوکاری باشد که کار بجایی کرده‌ای و اگر شایسته نباشد، تو شایسته نیکوکاری هستی. اگر کسی از جانب راست به تو فحش داد و به طرف چپ برگشت و عذرخواهی نمود، عذرش را بپذیر.»^(۵۰) همان‌گونه که مشاهده می‌شود امام سجاد علیه السلام به نیکی توصیه می‌کنند نسبت به هر کسی که درخواست آن را داشته باشد و در تعلیل این کار می‌فرمایند: اگر آن شخص شایسته نیکوکاری بود، نیکی بجاست، و اگر هم نبود باز هم بجاست؛ زیرا در ترقی معنوی و اجتماعی خود نیکوکار تأثیر دارد. بنابراین، بر مشاور مسلمان لازم است به مراجع مسلمان و غیرمسلمان، خوب و بد، بهنجار و نابهنجار، توجه مثبت داشته باشد و با خوش‌خلقی نسبت به او، علاوه بر یاری‌رسانی، لزوم احترام مسلمانان به دیگران را به صورت عملی نشان دهد.

البته لازم به ذکر است که منظور از توجه مثبت به افراد و پذیرش آنها، قبول همه ارزش‌های آنان و

روزی او همان مقدار مقدر خواهد بود.

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: «حرص حریص روزی را بیشتر نمی سازد.» (۵۵)

البته این به معنای عدم مشاوره مادی و اقتصادی و ارائه راه کارهای افزایش درآمد و امثال این گونه موارد مشروع نیست؛ زیرا حُسن تدبیر در امور مادی از مواردی است که نه تنها در اسلام نهی نشده، بلکه بدان تأکید شده است. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «بر ائمت از فقر نمی ترسم، بلکه از بدی تدبیرشان می ترسم»؛ (۵۶) آنچه در باب ولع مشاور مذمت شده، ولع شدید او به دنیا، انتقال آن به فرایند مشاوره، سوءاستفاده از مراجع و اخذ حق الزحمه اضافی از او، طول دادن بیش از حد جلسات درمان برای دریافت حق الزحمه بیشتر، انتقال حرص به مراجع و امثال این گونه موارد ناشی از آن ولع است.

۸. بخیل نبودن

شرط دیگری که باید در انتخاب مشاور لحاظ گردد، «بخیل نبودن» اوست. «بخیل» به کسی می گویند که حاضر نیست چیزی از منافع و امتیازاتی را که در اختیار دارد، به دیگران ببخشد یا در اختیار دیگران قرار دهد.

حضرت علی علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر، در لزوم مشورت نکردن با افراد بخیل چنین می نویسد: «در مشورت خود، بخیلان را راه مده که مانع احسان می شوند و مدام به فقر تهدیدت می کنند.» (۵۷) حضرت می فرماید: «با بخیل مشورت نکن؛ چون اعتدال و میانه روی ندارد و تو را هم از مسیر اعتدال خارج می کند. بخیل مال دوست است و به انسان وعده فقر می دهد و از فقر و ناداری

می ترسند. در این صورت است که اگر مصلحت مراجع، گشاده دستی (دایم یا موقت) برای خانواده و اطرافیان و یا دیگران باشد مشاور بخیل این امر را نادیده گرفته، او را از آن نهی می کند، در حالی که امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «هر که هنگام داراشدن دست به احسان گشاید، آنچه را داده است خدا در دنیایش جبران کند و در آخرت برایش چند برابر سازد، و نام نیکی که خدا برای کسی در میان مردم می گذارد از مالی که می خورد و به ارث می گذارد بهتر است.» (۵۸)

در مقابل، رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره بخیل چنین می فرماید: «قسم به آنکه جانم در دست اوست، بخیل وارد بهشت نمی شود.» (۵۹)

مشاور بخیل با توجه نکردن به برکت دنیایی و آخرتی بخشش، مراجع را به بخل رهنمون ساخته، او را به بیراهه می کشاند.

۹. صبور بودن

منظور از «صبر»، استقامت در برابر مشکلات و حوادث گوناگون است که نقطه مقابل آن «جزع» و بی تابی، یعنی از دست دادن مقاومت و تسلیم شدن در برابر مشکلات است. مشاور باید با الگوگیری از ائمه اطهار علیهم السلام صبر را در همه کارهای خود، بخصوص مشاوره، معیار قرار دهد تا به آثار نیکوی آن دست یابد.

قرآن کریم علاوه بر اینکه مؤمنان را به صبر توصیه می کند، نسبت به دعوت دیگران به صبر نیز اهتمام ورزیده، (۶۰) صبر را وسیله یاری انسان برمی شمارد. (۶۱) نتیجه این صبر را هم نعمت های بهشتی می داند. (۶۲) حضرت علی علیه السلام صبر را به منزله

به مقصود می‌شود. از این‌رو، سختی صبر با رسیدن به نتیجه مطلوب و آرامش پس از آن از جان و دل زدوده می‌شود، ولی در بی‌صبری چنین نیست.

۵. مقابله با غم و اندوه و ایجاد شادی در فضای مشاوره: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «چه بسا صبر کمی که شادی درازی به یادگار گذارد.»^(۷۱) حضرت علی علیه السلام نیز یکی از آثار بی‌صبری را غم و اندوه برمی‌شمارند؛ «از ناشکیبایی پرهیز که موجب غم و اندوه می‌گردد.»^(۷۲)

چه بسا مراجعی که با افسردگی فراوان به مشاور پناه ببرد و در صورت بی‌صبری مشاور، بر غم و اندوه او نیز افزوده گردد.

۶. ایجاد امید: امیرالمؤمنین علیه السلام در اشاره به آثار بی‌صبری، به قطع شدن امید اشاره کرده، می‌فرماید: «از ناشکیبایی پرهیز که موجب قطع امید می‌شود.»^(۷۳) بسیار مهم است که مشاور بدین نکته توجه داشته باشد که در صورت بی‌صبری و کم‌طاقتی، علاوه بر اثرگذاری منفی بر امید خود، مراجع را نیز از تکیه‌گاهی که بدو پناه برده بود، ناامید می‌گرداند و بذریأس را در او خواهد افشاند.

خلاصه آنکه مشاور اسلامی با توجه به آثار ذکرشده، صبر را پیشه خود می‌نماید و در تمرین و کسب ملکه آن پیش از ورود به این عرصه و پس از آن خواهد کوشید.

۱۰. آراستگی

علاوه بر آراستگی باطنی و داشتن تقوای الهی، آراستگی ظاهری فرد نیز در دین اسلام مهم است، تا جایی که این امر موجب محبوب شدن نزد خداوند می‌گردد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید:

سر برای بدن می‌دانند^(۶۳) و امام صادق علیه السلام غضب را کلید هر بدی برمی‌شمارند.^(۶۴)

نقش صبر در فرایند مشاوره: اما آثاری که صبر در فرایند مشاوره بر جای می‌گذارد، به قرار ذیل است:

۱. ارتقای معنوی مشاور: امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «اگر صبر کنی به سبب صبر خود، منزل‌های نیکوکاران را درمی‌یابی، و اگر بی‌صبری کنی بی‌صبری‌ات تو را به عذاب جهنم وارد می‌سازد.»^(۶۵)

۲. پیشرفت همه‌جانبه فرایند مشاوره: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «صبر یاری‌رسان در هر کاری است.»^(۶۶) این از آن‌روست که نظام زندگی، بر سر راه هر کار مهمی، موانعی قرار دارد که عبور از آنها با صبر و شکیبایی ممکن است.

۳. حاکم‌شدن نور و صفا و آرامش در فضای مشاوره: امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «صبر و شکیبایی حاکی از نور و روشنی باطن و درون‌بندگان است و جزع و بی‌تابی از وحشت و ظلمت و تیرگی درون آن حکایت می‌نماید.»^(۶۷)

۴. به نتیجه رسیدن کارها: مشاور در صورت بی‌صبری به نتیجه‌ای نخواهد رسید، در حالی که با صبر به پیروزی دست خواهد یافت. امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «هر که بر مرکب صبر سوار شود، به میدان پیروزی راه می‌یابد.»^(۶۸)

همچنین حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «ثمره سختی صبر پیروزی است.»^(۶۹) البته برخلاف آنچه تصور می‌شود سختی فقط در صبر است، امیرالمؤمنین علیه السلام جزع و ناشکیبایی را از صبر سخت‌تر می‌دانند و می‌فرماید: «ناشکیبایی سخت‌تر از صبر است.»^(۷۰) فرق آن دو در این است که صبر موجب پیروزی، و بی‌صبری باعث نرسیدن

«خداوند دوست دارد که وقتی بنده‌اش به سوی برادران (دینی خویش) می‌رود، خود را برای آنها بیاراید و زیبا سازد.» (۷۴)

همچنین رسول خدا ﷺ برای هنگام خرید لباس جدید و پوشیدن آن، این دعا را آموزش داده‌اند: «سپاس خدایی را که آنچه در میان مردم مایه زیبایی‌ام باشد، بر من پوشانید. خدایا، آن را جامه برکت قرار ده که در آن رضای تو را بجویم و به آبادی مساجدت بپردازم.» (۷۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آراستگی را از ویژگی‌های اخلاقی مؤمنان دانسته، می‌فرماید: «آراستگی از اخلاق مؤمنان است.» (۷۶) در حدیثی از امام صادق علیه السلام نیز به این امر با تعلیل آن چنین اشاره شده است: «به راستی، خداوند زیبایی و زیبانمایی را دوست دارد و بدحالی و بدنمایی را خوش ندارد؛ زیرا خداوند - عزوجل - وقتی نعمتی به بنده‌ای می‌دهد، دوست دارد اثرش را در او ببیند.» (۷۷)

البته به مقتضای تقوای الهی، که از شروط اصلی مشاوره است، آراستگی ظاهری تا حدی اهمیت دارد که مراجع یا افراد دیگر را در معرض گناه قرار ندهد. این امر در مشاوره با مراجعان نامحرم، باید به حدود اسلامی مقید باشد.

۱۱. عمل به دانسته‌ها

مشاور به عنوان الگوی مراجع، کارآموزان و کارکنان مراکز مشاوره، با عمل به دانسته‌های خود، به ویژه با عمل به آنچه بر زبان جاری ساخته است و مراجع و دیگران را بدان‌ها توصیه می‌کند، مشوق عملی خوبی خواهد بود. در زمینه لزوم عمل به دانسته‌ها و گفته‌ها، آیات و روایات فراوانی وجود دارد. در ذیل،

به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۲)؛

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آنچه را بدان عمل نمی‌کنید؟

- «اتَّأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ

الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (بقره: ۴۴)؛ آیا در حالی که کتاب را می‌خوانید، مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید؟ آیا به عقل در نمی‌یابید؟

- «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف: ۳)؛

خداوند سخت به خشم می‌آید که چیزی بگویید و بجای نیاورید.

- پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس به آنچه می‌داند

عمل کند خداوند علم آنچه را نمی‌داند به او می‌بخشد.» (۷۸)

- «علم بدون عمل مثل درخت بدون میوه است.» (۷۹)

آیات و روایات دیگری نیز بر عمل به علم و گفته‌ها دلالت دارد. مشاور اسلامی با توجه به این ادله، سعی می‌کند به توصیه‌های نیکویی که به مراجع خود ارائه می‌دهد، عمل کند. در این صورت است که نفوذ کلام و درمان او چند برابر خواهد بود. روشن است مشاوره‌ای که از اختلال‌هایی همچون اضطراب، هراس مرضی، وسواس و مانند آن رنج می‌برد، باید پیش از ورود به این عرصه، به درمان این اختلال‌های خود اقدام نماید، وگرنه نفوذ کلام و درمان او کاهش یافته، نوعی عدم عمل به دانسته‌هایش محسوب می‌گردد. از این رو، ضروری است در اعطای مجوز به مشاوران و روان‌درمانگران آزمون‌های روان‌شناختی از خود به عمل آورند تا پیش از اقدام به درمان دیگران، خود درمان شده باشند و عملاً به دانسته‌های خود ملتزم باشند.

روحیه‌ای برخوردار است یا نه؟ زیرا در صورت عدم علم‌افزایی دایمی مشاور، درمان‌ها و مشاوره‌های وی پس از مدتی جنبه تکراری گرفته، به مراجعان آسیب وارد خواهد ساخت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه ذکر شد، برخی ویژگی‌های حداقلی برای احراز مجوز فعالیت مشاوره و روان‌درمانی برای مشاور مسلمان لازم است. با وجود اهتمام زیاد اسلام به مشاوره در کارها، در صورت نداشتن این ویژگی‌ها، مشاوره نکردن با چنین افرادی بهتر از مشاوره کردن است. این ویژگی به طور خلاصه عبارت است از:

۱. «تقوا» که مهم‌ترین شرط مشاور اسلامی است و با وجود این شرط، رعایت دیگر مسائل اخلاقی در مشاوره تضمین درونی پیدا می‌کند. از پیامدهای رعایت تقوا در مشاوره، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: زمینه رعایت دیگر مسائل اخلاقی؛ هدایت مراجع به سوی خیر؛ امانت‌داری مشاور و عدم خیانت به مراجع؛ کسب عنایت الهی و حل مشکلات.

۲. داشتن صلاحیت حرفه‌ای که برای آن، دو مؤلفه مهم وجود دارد: «علم» و «تجربه».

۳. صداقت و راستی که به دو صورت «راست‌گویی زبانی و اخلاص» و «پرهیز از دورویی» از سوی مشاور لازم است.

۴. عقل محوری؛ در اسلام، بر عاقل بودن و عقل محوری مشاور به جای محوریت هوای مشاور یا مراجع تأکید شده است. از آثار عقل محوری و مشاوره با افراد عاقل، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: رسیدن به خیر؛ نفع‌بردن و دوری از زیان؛ رشد

۱۲. علم‌افزایی مداوم با نیت الهی

در باب ارزش علم‌جویی دایم و بازبینی توانایی‌های علمی، دلایل دینی فراوانی وجود دارد که مشاور اسلامی باید با در نظر گرفتن آنها، در استمرار علم‌آموزی و تجربه مبتنی بر آن تلاش کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که برای خدا علم بیاموزد و بدان عمل کند و به دیگران بیاموزد، در مقام‌های بلند آسمان‌ها، عظیمش خوانند و گویند: برای خدا آموخت، برای خدا عمل کرد و برای خدا تعلیم داد.»^(۸۰) این حدیث و احادیثی که ترغیب‌کننده آموختن علم هستند، مطلق بوده و همه افراد را شامل می‌شوند. از این رو، مشاور نباید با این تصور، که از علم کافی برخوردار است، از استمرار علم‌آموزی و پژوهش خسته شود؛ چنانچه احادیثی هستند که دلالت آشکاری بر لزوم استمرار علم‌آموزی از سوی دانشمندان دارند؛ «عالم کسی است که از آموختن علم ملول و دل‌تنگ نشود.»^(۸۱) به عبارت دیگر، او با وجود عالم بودنش، باز هم سعی در آموختن علوم یا نظرات دیگر یا پژوهش‌های مرتبط دارد.

البته همان‌گونه که حدیث اول بدان اشاره دارد، در نظام اخلاقی اسلام، حُسن فعلی و فاعلی هر دو ملاک است و در صورت تعلّم با نیت ناشایست، هیچ حسنی بر آن فعل مترتب نخواهد بود؛ چنانچه امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «هر کس علمی را یاد بگیرد تا به وسیله آن با نادان‌ها ستیزه کند یا به علما بیالد و یا به وسیله آن علم مردم بدو روی آورند، در آتش جهنم است.»^(۸۲) در اعطای مجوز برای مشاوران و روان‌درمانگران، باید به این امر توجه شود که آیا مشاور در مسیر علم‌افزایی قرار دارد و از چنین

همه جانبه؛ برکت در کارها؛ جذب توفیق الهی.

۵. احترام به کرامت انسانی؛

۶. توجه عاطفی مثبت به همه مراجعان و پذیرش

آنها؛

۷. حریص نبودن افراطی نسبت به دنیا؛

۸. بخیل نبودن؛

۹. صبور بودن که لازمه مشاوره و روان‌درمانی

است و آثار و برکات فراوانی در فرایند مشاوره دارد

که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ارتقای معنوی مشاور؛ پیشرفت همه‌جانبه مشاوره؛

حاکم شدن نور و صفا و آرامش بر فضای مشاوره؛ به

نتیجه رسیدن کارها؛ مقابله با غم و اندوه و ایجاد

شادی در فضای مشاوره؛ ایجاد امید.

۱۰. آراستگی ظاهری؛

۱۱. عمل به دانسته‌ها؛

۱۲. علم‌افزایی مداوم با نیت الهی.

پی‌نوشت‌ها

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱، ص ۹۵.

۲- شوری: ۳۸.

۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۱۰۱.

۴- «مشورت‌خواهی عین هدایت است و هرکه خود را از نظر

دیگران بی‌نیاز ببیند به مخاطره افتد.» (همان، ص ۱۰۴).

۵- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص

۴۴۲.

۶- همان.

۷- علی‌بن جمعه عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص

۵۸۴.

۸- محمدبن حسن حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹.

۹- همان، ص ۴۰.

۱۰- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۱، ص ۳۰۲.

۱۱- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۹۷.

۱۲- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۲۲.

۱۳- علیرضا صابری یزدی و محمدرضا انصاری محلاتی، الحکم

الزاهرة، ص ۷۲.

۱۴- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۹۵.

۱۵- همان.

۱۶- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۹۹.

۱۷- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۴۲.

۱۸- راغب اصفهانی، المفردات، ج ۱، ص ۸۸۱.

۱۹- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۷۱.

۲۰- همان، ص ۸۹.

۲۱- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۴۲؛ محمدباقر

مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۱۰۱.

۲۲- همان.

۲۳- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۴۷.

۲۴- همان، ج ۱۲، ص ۳۹.

۲۵- میرزا حسین نوری، مستدرک‌الوسائل، ج ۸، ص ۳۴۱.

۲۶- ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۱، ص ۴۵۸.

۲۷- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۴۲.

۲۸- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۴۴.

۲۹- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۱۰۴.

۳۰- همان، ص ۴۵.

۳۱- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۴۲.

۳۲- میرزا حسین نوری، همان، ج ۸، ص ۳۴۳.

۳۳- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۴۲.

۳۴- محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۳۳۸.

۳۵- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۱۰.

۳۶- محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۶۳۸.

۳۷- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۴۲.

- ۳۸- محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ۱۵.
- ۳۹- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۴۲.
- ۴۰- همان، ص ۴۳؛ محمدباقر مجلسی، همان، ج ۸۸، ص ۲۵۳.
- ۴۱- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۲، ص ۴۳.
- ۴۲- همان، ص ۴۲.
- ۴۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۲، ص ۱۰۴.
- ۴۴- میرزا حسین نوری، همان، ج ۸، ص ۳۴۴.
- ۴۵- محمدبن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۲۰۶.
- ۴۶- محمدبن حسن حرّ عاملی، همان، ج ۱۷، ص ۱۸۹.
- ۴۷- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۴، ص ۷۱.
- ۴۸- محمدبن علی صدوق، *عیون اخبار الرضا علیهما السلام*، ج ۲، ص ۳۵.
- ۴۹- *نهج البلاغه*، ترجمه صبحی صالح، ص ۴۲۶.
- ۵۰- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۵، ص ۱۴۱.
- ۵۱- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۴۲.
- ۵۲- ابن منظور، همان، ج ۷، ص ۱۱؛ راغب اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۲۲۷.
- ۵۳- میرزا حسین نوری، همان، ج ۱۱، ص ۲۸۰.
- ۵۴- ر.ک: محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۴۵۵.
- ۵۵- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۴، ص ۶۳.
- ۵۶- ابن ابی جمهور احسائی، *عوالی اللسانی*، ج ۴، ص ۳۹.
- ۵۷- *نهج البلاغه*، ص ۴۰۶.
- ۵۸- محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۲، ص ۱۵۲.
- ۵۹- میرزا حسین نوری، همان، ج ۱۵، ص ۱۸۸.
- ۶۰- آل عمران: ۲۰۰.
- ۶۱- بقره: ۵۳.
- ۶۲- رعد: ۲۴.
- ۶۳- *نهج البلاغه*، ص ۴۸۲.
- ۶۴- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۰، ص ۲۶۳.
- ۶۵- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۸۴.
- ۶۶- همان، ص ۲۸۰.
- ۶۷- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۸، ص ۹۰.
- ۶۸- علیرضا صابری یزدی و محمدرضا انصاری محلاتی، همان، ص ۵۲۴.
- ۶۹- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۲۸۳.
- ۷۰- محمدرضا عطایی، *مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام*، ج ۲، ص ۱۸.
- ۷۱- محمدبن محمد نعمان مفید، *الامالی*، ص ۴۲.
- ۷۲- همان.
- ۷۳- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۹، ص ۱۴۴.
- ۷۴- فضل بن حسن طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ص ۳۵.
- ۷۵- محمدبن علی صدوق، *امالی*، ص ۲۲۶.
- ۷۶- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۳۵.
- ۷۷- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۷۳، ص ۱۷۶.
- ۷۸- همان، ج ۴۰، ص ۱۲۸.
- ۷۹- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۱۵۲.
- ۸۰- محمدبن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۳۵.
- ۸۱- عبدالواحدبن محمد تمیمی آمدی، همان، ص ۴۳.
- ۸۲- محمدباقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۳۰.

منابع

- *نهج البلاغه*، ترجمه صبحی صالح، قم، دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
- ابن منظور، محمدبن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۰۰ق.
- احسائی، ابن ابی جمهور، *عوالی اللسانی*، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۵ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدبن محمد، *غررالحکم و دررالکلم*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- حرّ عاملی، محمدبن حسن، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۹ق.
- راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالشامیه، ۱۴۱۶ق.
- صابری یزدی، علیرضا و محمدرضا انصاری محلاتی، *الحکم الزاهرة*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.
- صدوق، محمدبن علی، *امالی*، بیروت، نشر اعلمی، ۱۴۰۰ق.
- —، *عیون اخبار الرضا علیهما السلام*، تهران، جهان، ۱۳۷۸.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف‌رضی، ۱۳۷۰.
- عروسی حویزی، علی بن جمعه، *تفسیر نورالثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- عطائی، محمدرضا، *مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام*، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
- مفید، محمدبن محمد نعمان، *امالی*، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- نوری، میرزا حسین، *مستدرک الوسائل*، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۸ق.